

بررسی روابط شهر - روستا مورد مطالعه: دهستان سررود جنوبی، بخش مرکزی شهرستان بویراحمد و شهر یاسوج

فرشاد رکنی*، دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

حسین سلیمانی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲

چکیده: در دهه‌های گذشته، تعاملات روستایی- شهری در کشورهای در حال توسعه گسترش یافته است. ارتباطات روستایی و شهری می‌تواند به عنوان روابط ساختاری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی بین افراد و گروه‌ها در محیط روستایی و شهری تعریف شود. این ارتباط به طور غیر مستقیم بر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تأثیر می‌گذارد. این پژوهش، از نظر نوع کاربردی می‌باشد و با استفاده از روش پژوهش توصیفی- تحلیلی انجام شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش، شامل روستاهای دارای جمعیت بیش از ۵۰۰ نفر در دهستان سررود جنوبی، بخش مرکزی شهرستان بویراحمد می‌باشد. در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز از داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نظرات نخبگان استخراج شد و با بهره‌گیری از مدل AHP مورد سنجش قرار گرفت که یکی از نقاط قوت این روش، استفاده از مقیاس دوگانه مقایسه جهت اولویت‌بندی دقیق می‌باشد. هدف این پژوهش، بررسی دقیق روابط شهر-روستا، مورد مطالعه دهستان سررود جنوبی و شهر یاسوج می‌باشد، تا برنامه‌ریزان و مدیران دولتی بتوانند یافته‌های این پژوهش را در جهت اقدامات توسعه‌ای بکار برند. با توجه به نتایج بدست آمده، نحوه مصرف و خرید دارای بالاترین و همکاری در مراسم و فعالیت مذهبی دارای کمترین میزان اثرپذیری از روابط شهر- روستا می‌باشد. همچنین مطابق نتایج بدست آمده شاخص زیست محیطی نسبت به شاخص اقتصادی- اجتماعی به میزان کمتری از روابط شهر- روستا تأثیر پذیرفته است. جمع‌بندی نتایج حاصل از مدل AHP نشان داد که از نظر شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی در روستای سرابتاوه دارای بیشترین اثرپذیری از روابط متقابل شهر و روستا است. در حالی که از نظر شاخص زیست محیطی روستای تل خسرو دارای بیشترین اثرپذیری می‌باشند.

کلمات کلیدی: روابط شهر- روستا، دهستان سررود جنوبی، بویراحمد، AHP

Analysis of Urban- Rural Interaction, the Case of: South Sarroud Districts, Central District of Boyer- Ahmad County and Yasouj City

Farshad Rokni*, PhD student at Islamic Azad University, Najaf Abad Branch, farshad.rokni@gmail.com

Hossein Soleimany, Assistant professor of Islamic Azad University, Najaf Abad Branch,

Hosein_soleimany_GEO@yahoo.com

Abstract: Rural-urban linkages can be defined as the structural economic, social and environmental relationships maintained between individuals and groups in rural and urban environment. This linkage indirectly affected the economic, social and environmental indexes. This research is an applied study which is carried out using a descriptive analytical research method. The statistical population of this study was composed of all the villages with the population of more than 500 people in the South Sarroud Districts, Central District of Boyer-Ahmad County. In this research, the required information was extracted from data collected using the experts' opinions and utilized by the analytic hierarchy process (AHP) methodology that it is one of the strengths method that used of pairwise comparisons to drive accurate ratio scale priorities. The purpose of this research is to carefully analysis of urban-rural interaction, the case of South Sarroud Districts and Yasouj City. So that government planners and managers can apply this research results for developmental measures. Based on the results, consumption instruction and procurement has the highest and cooperation at the ceremony and religious activity has the lowest degree of effectiveness in the urban-rural interaction. Also, according to the results, the environmental index has been influenced less than urban-rural interactions relative to the socio-economic index summarizes the Results obtained from the AHP model, showed that in terms of socio-economic indicators in the Sarabtaveh village has the highest effectiveness of the urban-rural interaction. While in terms of the environmental index of the Talkhosrow has the most effectiveness.

Keywords: Urban- rural interaction, South Sarroud Districts, Boyer-Ahmad County, AHP

نویسنده مسئول: فرشاد رکنی، دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، farshad.rokni@gmail.com

مقدمه

ضرورت اجتناب‌ناپذیر رشد و پیشرفت و مسائلی چون توجه به فقرا، محیط زیست، مناطق حاشیه‌ای مقوله توسعه را به یکی از فراگیرترین موضوعات جوامع بشری به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مبدل نموده است (فرجی‌راد و کاظمیان، ۱۳۹۶: ۱۵۶). توسعه فرآیندی است چندبعدی، که در آن شرایط نامطلوب زندگی، به شرایط مطلوب تبدیل گشته و جامعه از فقر و عقب‌ماندگی حوزه‌های مختلف رهایی می‌یابد و به سوی رفاه و پیشرفت قدم می‌گذارد (بختیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۲). فیلیپ لامور^۱ آمایش سرزمین را مدیریت کشور و هنری^۲ نوعی برنامه‌ریزی بلندمدت برای توزیع متوازن امکانات، جمعیت و فعالیت‌هایی با هدف ارتقاء رفاه، آسایش و هماهنگی جامعه عنوان می‌نماید. در یک تعریف کلی، منظور از آمایش سرزمین، تنظیم کنش متقابل بین عوامل انسانی و عوامل محیطی به منظور ایجاد سازمان سرزمینی مبتنی بر بهره‌گیری بهینه از استعدادهای محیطی و انسانی است (سلطانی، ۱۳۹۲: ۶۶). تجارب بسیاری از کشورهای پیشرو در آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فضایی حاکی از وجوه اشتراکی چون داشتن مسئولیت‌ها، قواعد، تکنیک و ابزارهای معین برای تحقق این امر است. لیکن نقطه اشتراک گام نهادن در این مسیر، وجود چالش‌های جدی در تحقق آمایش سرزمین است. برای مثال در کشور بریتانیا، از جمله چالش‌ها بر سر برنامه‌ریزی آمایش در مقیاس ملی، می‌توان به فرهنگ‌های متفاوت منطقه‌ای و هویت متمایز سیاسی هر منطقه اشاره نمود که موجب تشدید گرایش این کشور به برنامه‌ریزی منطقه‌ای شده است. یا در کشور فرانسه، این موانع شامل تمرکز سیاسی شدید در پاریس، در کشور هلند، کمبود زمین و تهدید ازدحام جمعیت، در آمریکا عدم وجود ارتباط منطقی میان دولت فدرال و دولت‌های ایالتی، در کشور ژاپن محدودیت‌های طبیعی، سالخوردگی جمعیت، فقدان سرزندگی در نواحی روستایی و شهری و آسیب‌پذیری در برابر سوانح و بلایای طبیعی بوده است (سلطانی، ۱۳۹۲: ۶۶-۶۷). کشور ایران با چند دهه سابقه رسمی در برنامه‌ریزی عمرانی و برنامه‌ریزی در خلال این مدت همراه با چالش‌هایی در مسیر توازن منطقه‌ای روبرو

بوده است. بررسی سیر تحولات آمایش سرزمین حاکی از آن است که موضوع عدم توازن منطقه‌ای از مهم‌ترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان کشور است (صالحی و پوراصغر سنگاچین، ۱۳۸۸: ۱۴۹). بیشتر تئوری‌های توسعه بر مسائل "شهری" یا "روستایی" تمرکز کرده‌اند و توجه کمی به رابطه بین این دو صورت گرفته است (تاکولی^۳، ۱۹۹۸: ۱۴۹). سرآغاز مباحث جدی پیرامون روابط شهر- روستا به دهه‌ی ۱۹۴۰ میلادی بازمی‌گردد. از اولین مطالعات پیرامون توسعه‌ی منطقه‌ای می‌توان به پژوهش جانسون (۱۹۷۰) در رابطه با نقش و عملکردهای شهرهای کوچک توسط جانسون (۱۹۷۰) و پژوهش فانل (۱۹۷۶) در مورد مراکز توسعه روستایی اشاره نمود (بارسکای^۴، ۲۰۰۹: ۸۸). تعادل توسعه روستایی- شهری و از بین بردن ساختار دوگانه روستایی- شهری و از بین بردن ساختار دوگانه روستا- شهری برای توسعه پایدار اقتصادی منطقه‌ای امری اجتناب‌ناپذیر است (ژائولین^۵، ۲۰۱۱). در چند دهه اخیر، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان، به مفهوم برنامه-ریزی توسعه‌ی روستایی به‌عنوان ابزاری به منظور پیشبرد توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی در کشورهای جهان سوم توجه نموده‌اند (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۰). مطالعه و تحقیق در رابطه با روابط شهر و روستا به منظور دستیابی به راه‌حلی که موجب توسعه یکپارچه کشور گردد، از اهمیت خاصی برخوردار است. توجه به مطالعات روستایی در رابطه با شهرها به دنبال انقلاب صنعتی اروپا در قرن هیجدهم و همزمان با گسترش شهرنشینی آغاز شد. روابط ناعادلانه بین جوامع شهری و روستایی در ابتدا موجب شد تا محققین به فکر چاره‌اندیشی افتند و روش‌هایی را برای دستیابی به رابطه‌ای عادلانه بین جوامع شهری و روستایی بیازمایند. شهرها و روستاهای ایران نیز طی سالیان دراز با چنین تحولاتی روبرو بوده‌ند.

1. Philippe Lamoure
2. Henry
3. Tacoli
4. Baresky
5. Zhao-lin

اثرات ناشی از انقلاب صنعتی تغییرات عمده‌ای را در چشم‌اندازهای شهری و روستایی ایران بر جای نهاده بطوری که منجر به افزایش روند اختلاط اقوام‌های روستایی و گسترش بی‌رویه شهرها گردید. از این رو ضروری است روند توسعه‌ی متقابل برای شهر و روستا به گونه‌ای فراهم آید تا توسعه‌ی یکی از آنها به بهای رکود و افول دیگری آن تمام نشود (رضوانی، ۱۳۸۹: ۱۹۷). مطالعات تجربی نشان می‌دهد که ارتباط میان مراکز شهری و روستاها نقش مهمی در روند تغییرات روستایی و شهری ایفا می‌کند (تاگولی، ۱۹۹۸: ۱۴۹). پیوندهای گوناگونی بر حسب شرایط و بسترهای اقتصادی و اجتماعی بین روستاها و شهرها برقرار است که این پیوندها می‌تواند اثرات توسعه‌ای و یا توسعه نیافتگی برای هر کدام از فضاهای شهری و یا روستایی را به دنبال داشته باشد (معیدفر و اکبری، ۱۳۸۶: ۷۵). شواهد نشان می‌دهد که شهرها در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای توسعه یافته بسیار زیاد بر پیرامون خودمتکی هستند، بویژه اینکه اکثریت جمعیت این کشورها هنوز در روستاها ساکن هستند. مناسبات بین شهرها و روستاهای پیرامون از این حیث که متقابل است، بسیار مهم است، زیرا تولیدات مهم روستاها که برای صادرات در نظر گرفته می‌شود، عمدتاً از طریق شهرها صادر می‌شوند. ضمن اینکه شهرها منابع مهم مالی، خدمات و اطلاعات را برای روستاها فراهم می‌سازند و امور مربوط به واردات کالاهای صنعتی و بعضی از نهاده‌های کشاورزی را انجام می‌دهند (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین پایداری جمعیت شهری و روستایی در جهان در حال توسعه به عنوان کلیدی‌ترین چالش قرن ۲۱ است. طرح این موضوع از این منظر اهمیت دارد که جریان‌های جمعیتی روستا به شهر به عنوان یکی از ابعاد مهم مناسبات روستا-شهر و عینی‌ترین و ملموس‌ترین بعد آن تلقی می‌شود و توسعه روستاها و شهرها و برقراری مناسبات سودمند متقابل می‌تواند به تثبیت و پایداری جمعیت هر یک کمک نماید (معیدفر و اکبری، ۱۳۸۶: ۷۶). بنابراین شهرها برقراری پیوند بین نواحی روستایی و بازار جهانی را فراهم می‌نماید. این پیوندهای وابسته به هم می‌تواند پایه‌های چرخه مثبت کنش متقابل را شکل دهد. مطالعه روابط

شهر و روستا از مهم‌ترین مباحث در برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و روستایی است (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۲). پیوندهای روستا-شهر قسمتی از واقعیت‌های زندگی روزانه یک خانوار ساکن نواحی روستایی است. از این رو پیوندهای روستایی-شهری در تنظیم و بیان سیاست‌های توسعه با هدف کاهش فقر و حمایت از نقش مثبت مراکز شهری در توسعه نواحی روستایی پیرامونی مورد تأکید کارشناسان توسعه قرار دارد (میرزایی قلعه و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۰). در بررسی‌های ناحیه‌ای کشورهای در حال توسعه به وجود انواع روابط متقابل بین شهر و روستا به عنوان عناصر اصلی تشکیل دهنده ناحیه اشاره می‌کند. بر این مبنا، در این پژوهش‌ها، تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی موجود بین دو واحد مزبور مبین نوع روابط تلقی می‌شود. تفاوت‌های بیشتر نشان‌دهنده‌ی جریان یک طرفه و بهره‌برداری شهر از روستاهای پیرامون است که مفهوم شهرهای انگلی را متبادر ساخته و برعکس تفاوت‌های کمتر در صورت وجود روند مثبت توسعه، بیانگر گسترش و وجود شهرهای خلاق است. در این راستا شناسایی شهرها تحت عناوین انگلی و خلاق در برنامه‌ریزی‌های توسعه به دو استراتژی منجر می‌شود. اول اینکه شهرهای انگلی عامل زهکشی روستا و مسبب توسعه نیافتگی آن است. بنابراین نوعی شهرستیزی و بازگشت به روستا توصیه می‌شود. دوم شهر خلاق که موتور محرک توسعه نواحی است و باید سرمایه‌گذاری در شهر متمرکز گردد (افراخته، ۱۳۸۰). روابط و مناسبات موجود در میان سکونتگاه‌ها و به ویژه بین شهر و روستا، خود را غالباً به شکل جریان‌های جمعیتی، مبادله کالا، سرمایه، عقاید، اطلاعات، و نوآوری نشان داده، که جریانی فضایی-مکانی و جغرافیایی بوده و شناخت، تبیین و کشف قوانین کلی حاکم بر آن، در چارچوب روابط متقابل انسان و محیط صورت می‌گیرد و از اهمیت نظری و کاربردی ویژه‌ای برخوردار است (میرزایی قلعه و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۰-۸۹). رویکردهای نظری به مناسبات روستا-شهر را می‌توان به دو دسته کلی منفی‌نگر و مثبت‌نگر تقسیم‌بندی نمود. در رویکردهای منفی‌نگر مناسبات بین روستا با شهر را یک طرفه و به نفع شهر و به ضرر روستا می‌دانند و اعتقاد دارند که کلیه جریان‌های اقتصادی، مالی، اختلاط اقوام و غیره

به نفع شهر و به زیان روستا است. پوتر در زمینه مناسبات روستا با شهر از الگویی به نام اقتصاد فضای استعماری^۱ یاد می‌کند که در آن مجموعه یک کشور و سرزمین برای صادر نمودن مواد خام به قدرت استعمارگر متشکل و هماهنگ می‌شود. به اعتقاد پوتر اغلب زیرساخت‌ها در سطح ملی برای حمایت و تقویت روابط استعماری بین شهر و روستا گسترش و توسعه می‌یابد. کسانی که به مناسبات روستا با شهر از منظر مثبت می‌نگرند، اعتقاد دارند، شهر مکان نوآوری، خلاقیت و تحول مثبت است. در مجموع شهر کانون توسعه و ترقی محسوب می‌گردد و برقراری ارتباط و پیوند میان فضاهای شهری و روستایی سبب انتقال و اشاعه ویژگی‌ها و خصایص توسعه‌ای از شهر به روستا می‌گردد. راندینلی^۱ نیز به عنوان یکی از صاحب‌نظران مثبت‌نگر بر نقش توسعه‌ای شهرها و ویژگی‌های شهری میانی در فراهم کردن دامنه‌ای از خدمات برای نواحی پیرامون تأکید دارد (معدفر و اکبری، ۱۳۸۶: ۷۶). در این میان، روستاهای شهرستان بویراحمد استان کهگیلویه و بویراحمد نیز از لحاظ ساختار اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارای شرایط مطلوبی نمی‌باشند و سطح‌بندی روستاهای این نواحی، گامی اساسی در جهت ایجاد تعادل فضایی و کاهش محرومیت و نابرابری، به‌شمار می‌رود. منطقه مورد مطالعه دهستان سررود جنوبی از توابع شهرستان بویراحمد، بخش مرکزی است.

پیشینه پژوهش

صالحی و پوراصغر سنگاچین (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با عنوان تحلیلی بر موانع فراروی آمایش سرزمین در ایران مواردی چون شرایط طبیعی کشور مانند کوهستانی بودن و همچنین قرار گرفتن در کمربند خشک، محدودیت آب، جوابگو نبودن قوانین و مقررات تمرکززدایی فعالیت‌ها و سوق دادن آن‌ها به مناطق کمتر توسعه‌یافته، اعمال نکردن شرایط خاص منطقه‌ای در ضوابط و استانداردهای خروجی از کارخانجات و کارگاه‌های صنعتی، فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین در ایران، فشارهای سیاسی جهت اجرای طرح‌ها و پروژه‌های فاقد توجهات اقتصادی و فنی، عدم تعریف مناسب از منطقه در کشور، موقعیت قرارگیری ایران در جغرافیای خاورمیانه و

تأثیرات متغیرهای برون‌زا، عدم وجود منظومه ملی اطلاعات مکانی برای به اشتراک گذاشتن داده‌های مکاندار را از جمله مهم‌ترین تنگناهای فراروی آمایش کشور عنوان نمود. سلطانی (۱۳۹۲) موانع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جغرافیایی و سرزمینی، مطالعاتی و پژوهشی، سیاسی و امنیتی و اداری و ساختاری را به عنوان موانع فراروی طرح‌های آمایش سرزمین در ایران مطرح نمودند. یافته‌ها حاکی از آن بود که در هر دو بخش موانع اصلی و فرعی، موانع اداری و ساختاری در بین شش مانع دارای بیشترین اهمیت می‌باشد. فرجی‌راد و کاظمیان (۱۳۹۶) به تحلیل فضایی عوامل اجتماعی و فرهنگی پیشران و مانع آمایش و توسعه منطقه‌ای در استان خراسان شمالی پرداختند. بر اساس نتایج، پژوهش، شهرستان‌های مختلف استان از نظر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی، دارای وضعیت‌های متفاوتی نسبت به یکدیگر می‌باشند. در سطح کلان استان، مهم‌ترین عامل پیشران آمایش فضایی منطقه عامل فرهنگ کار (مانند محوریت کار در زندگی و ارزش کار)، سرمایه اجتماعی (مانند اعتماد و صداقت) عنوان شد. مهم‌ترین موانع اجتماعی و فرهنگی نیز شامل مواردی چون منزلت اجتماعی کار، وجود تعارضات مختلف در سطح استان (مانند تعارض جنسیتی، تعارض قومیتی در سطح محدود، تعارض و نابرابری اجتماعی، باور به وجود تبعیض در جامعه، وجود اختلاف و چند دستگی، باور به وجود و افزایش فاصله طبقاتی، غلبه هویت و تعلق محلی بر هویت و تعلق استانی و وضعیت نامطلوب بیشتر شاخص‌های سلبی سرمایه اجتماعی در سطح استان (بالا بودن آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق، بیکاری، اعتیاد و سرقت) می‌باشد.

به طور سنتی همیشه ارتباطی بین توسعه مناطق روستایی و شهری ایجاد شده است، زیرا شهر و روستا محصولات و خدمات خود را با یکدیگر به اشتراک می‌گذارد (مودزنگر، ۲۰۱۵: ۱).

مودزنگر (۲۰۱۵) به بررسی علل، روند و تأثیرات تغییر روابط شهری روستایی و چگونگی تأثیر آن بر رشد شهرها در کشورهای در حال توسعه پرداخت.

1. Rondinelli

نتایج نشان داد که ارتباطات روستایی و شهری با توسعه شهرها و مناطق روستایی رابطه مستقیمی دارد. بولاووئوآ و مناطق اطراف آن کالا و خدمات را از طریق حرکت مردم مبادله می‌کنند. بلایای طبیعی و همچنین سیاست نقش مهمی در روابط شهری روستایی و شهری ایفا کرده است، زیرا این امر منجر به جابجایی تعداد بیشتری از افراد می‌شود. گسترش شهر بولاویو، سرزمین مناطق روستایی اطراف را تحت الشعاع قرار داد و منجر به نزاع بر سر زمین شد که تا حدودی سبب ایجاد مناطق مسکونی با دسترسی محدود به خدمات شد. معیدفر و اکبری (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان مناسبات روستا با شهر و اثرات توسعه ای آن در شهرستان ساوجبلاغ به این نتیجه دست یافتند که مناسبات عامل اصلی توسعه یافتگی محسوب می‌شود و نتایج بدست آمده نیز نشانگر این است که بین میزان مناسبات روستا با شهر و سطح توسعه یافتگی آن رابطه مثبت وجود دارد. همچنین روستاهایی که مسافت آن‌ها با شهر کمتر است مناسبات آنها با شهر بیشتر و همچنین سطح توسعه یافتگی آنها بیشتر است. رضوانی، (۱۳۸۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران به این نتیجه دست یافتند که به دلیل بروز تحولات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و فضایی-کالبدی و شکل‌گیری کارکردهای جدید در نواحی روستایی اطراف تهران به صورت خودجوش بوده است، آثار و پیامدهای نامطلوبی هم بر شهر تهران و هم بر نواحی اطراف آن بر جای گذاشته است. نتایج پژوهش علی شمس‌الدینی و همکاران، (۱۳۹۰) نشان داد که مرودشت با ارائه خدمات به روستاهای حوزه نفوذ ضمن فراهم نمودن شرایط و پویایی روستاها موجب ایجاد تغییرات کالبدی-فضایی در آن‌ها شده است. از سوی دیگر ساکنین روستاها هم زمینه‌های پویایی و رشد مرودشت را فراهم نموده‌اند. از آن‌جا که در این پژوهش از تحلیل سلسله مراتبی AHP، به منظور بررسی روابط متقابل شهر-روستا استفاده شده است؛ در ادامه پژوهش‌هایی در این حیطه ذکر شده است. منصور-مردیان (۱۳۹۴)، با استفاده از مدل موریس، AHP و TOPSIS، به سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی از نظر

شهروندان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران پرداختند. نتایج هر دو مدل نشان‌دهنده آن است که منطقه تهران دارای بالاترین سطح برخورداری از امکانات و خدمات می‌باشد و مناطق ۲ و ۳ در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در مدل TOPSIS منطقه ۲۲ و در مدل MORIS منطقه ۱۱ دارای کمترین سطح برخورداری از امکانات و خدمات می‌باشد. نتایج بدست آمده، حاکی از سطح پایین کیفیت زندگی و وجود اختلاف و نابرابری فراوان در مناطق شهر تهران، از نظر برخورداری از امکانات می‌باشد. علی‌یاری و شریف‌زاده (۱۳۹۶) با بهره‌گیری از مدل تلفیقی موریس و تکنیک سلسله مراتبی به سنجش نابرابری خدمات در روستاهای هدف گردشگری شهرستان فیروزآباد پرداختند. بر اساس نتایج بدست آمده، روستای موشکان و روزبدان به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان برخورداری از شاخص‌های توسعه هستند. همچنین بر اساس نتایج این پژوهش، بیشترین و کم‌ترین نابرابری به ترتیب مربوط به شاخص سیاسی-اداری و خدمات زیربنایی است. مهدوی و برنجکار (۱۳۹۲)، با استفاده از مدل تحلیل سلسله‌مراتبی AHP، به سطح‌بندی دهستان‌های شهرستان بندانزلی بر اساس تغییرات کاربری اراضی روستایی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که دهستان لیجارکی حسن‌رود در رتبه‌ی اول میزان تغییرات قرار گرفته است. همچنین طبق نتایج به‌دست آمده، از بین تمامی شاخص‌های مورد بررسی، شاخص گردشگری با توجه به قدمت و عملکرد نسبت به بقیه‌ی شاخص‌ها فعال‌تر بوده و با وزن نسبی ۰/۴۴۴ در اولویت اول از لحاظ تأثیرگذاری در تغییر کاربری اراضی نسبت به سایر شاخص‌ها می‌باشد. احمدی و همکاران (۱۳۹۳)، با استفاده از مدل AHP و Topsis، به سطح‌بندی میزان توسعه یافتگی استان‌های کشور بر مبنای شاخص‌های حمل و نقل پرداختند. نتایج نشان داد که استان‌هایی مانند تهران، اصفهان و خوزستان در سطح بالاتری از توسعه یافتگی قرار دارند و استان‌های قم، چهارمحال و بختیاری، ایلام، کهگیلویه و بویراحمد، البرز و خراسان شمالی در پایین‌ترین سطح توسعه یافتگی واقع شده‌اند. همچنین نتایج نشان‌دهنده‌ی اختلاف فاحش توسعه یافتگی و وجود نابرابری در میان استان‌های

جدول (۱): شاخص‌های مورد مطالعه

شاخص	پارامتر
اقتصادی- اجتماعی	نحوه مصرف و خرید، میزان تولیدات کشاورزی، اختلاط اقوام، همکاری در مراسم و فعالیت مذهبی، ناهنجاری روستا، نابرابری، انسجام اجتماعی، خوابگاهی شدن، کمرنگ شدن آداب و سنن، ارزش مساکن، جریان مواد اولیه و کالا، مالکیت اراضی، حس جدا بودن از مکان
زیست- محیطی	ارتقاء سیستم حمل و نقل، تخلیه زباله شهری، آلودگی، تغییر کاربری اراضی

در این فرآیند با استفاده از رویکرد مقایسه‌ی ۹ کمیته‌ی ساعتی، هر سطر نسبت به عنصر مربوط به خود در سطر بالاتر مقایسه می‌گردد. سپس با بهره‌گیری از مقایسه‌های زوجی، ماتریس تناسب ایجاد شده و اوزان حاصل می‌گردد (علی‌یاری و شریف‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۲). در ادامه با استفاده از شاخص‌های جدول ۲ با استفاده از مدل AHP، به بررسی روابط شهر- روستا در دو بعد اقتصادی- اجتماعی و زیست محیطی در دهستان سررود جنوبی پرداخته شد (شکل ۱). در این مرحله به تعریف مسئله و ترسیم هدف از تصمیم‌گیری به صورت سلسله‌مراتبی از عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده تصمیم به‌وسیله‌ی درخت تصمیم پرداخته می‌شود. شکل ۱ بیانگر سلسله‌مراتب روابط شهر- روستا در دهستان سررود جنوبی می‌باشد.

کلیدی مقایسات در فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی به صورت زوجی صورت می‌پذیرد. در این روش، تصمیم‌گیرندگان از قضاوت‌های شفاهی بهره می‌گیرند. به گونه‌ای که در مقایسه‌ی عنصر I با عنصر J، تصمیم‌گیرنده عنوان می‌نماید که اهمیت I بر J، یکی از حالات جدول ۲ می‌باشد. از این رو، جهت ایجاد ماتریس مقایسات زوجی و تعیین اهمیت نسبی هر عنصر نسبت به عنصر دیگر، از مقیاس ۱ تا ۹ استفاده می‌گردد.

مورد بررسی از لحاظ برخورداری از تأسیسات و تسهیلات حمل و نقل جاده‌ای در کشور می‌باشد. نتایج پژوهش ژانولین (۲۰۱۱) نشان‌دهنده‌ی ساختار دوگانه در نائینگ بود. در نتیجه برای دستیابی به توسعه از بین بردن شکاف بین مناطق شهری و روستایی و توسعه هماهنگ در تمام مناطق مورد نیاز می‌باشد.

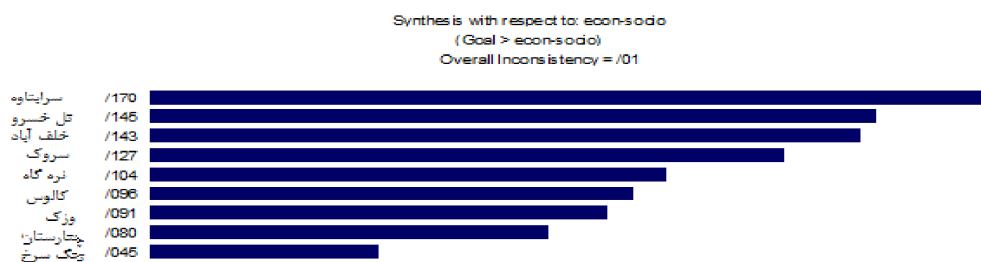
روش پژوهش

در این پژوهش از رویکرد توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. در این راستا تعداد ۹ روستای این دهستان مورد مطالعه قرار گرفته و تعداد ۱۳ شاخص در عامل اقتصادی- اجتماعی و ۵ شاخص در عامل زیست محیطی واقع شده‌اند. در این پژوهش، با استفاده از ۲۰ متغیر ۹ روستای چنارستان، کالوس، تل خسرو، وزک، نره‌گاه، تنگ سرخ، خلف آباد، سربتاوه و سروک مورد بررسی قرار گرفتند. این اطلاعات از پرسشنامه و بهره‌گیری از نظر خبرگان منتهی به مورد مطالعه حاصل شده است. همچنین در این پژوهش دهستان سررود جنوبی به عنوان مورد مطالعاتی انتخاب گردید و پرسشنامه‌ای تهیه و پس از بررسی اولیه و رفع نکات مبهم آن، اطلاعات مورد نیاز با همکاری اعضای شورای اسلامی روستاها و دهیاران روستاهای مورد مطالعه جمع‌آوری گردید. اطلاعات وارد بسته نرم‌افزار Expert Choice شده و با استفاده از مدل AHP به بررسی روابط متقابل شهر- روستا پرداخته شد.

فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)

این روش اولین بار، در سال ۱۹۸۰، توسط توماس ال‌ساعتی پیشنهاد گردید. روش AHP، روشی است ساده، انعطاف‌پذیر و قوی که به منظور تصمیم‌گیری در شرایطی که معیارهای تصمیم‌گیری متضاد، انتخاب بین گزینه‌ها را با مشکل مواجه می‌سازند، مورد استفاده قرار می‌گیرد (نعمتی و همکاران، ۱۳۹۳).

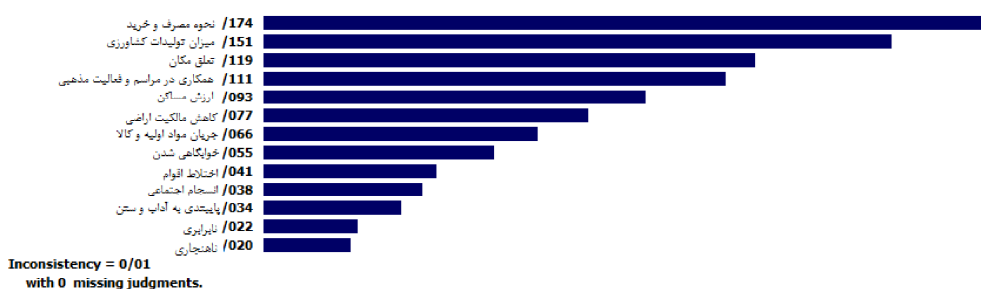
شکل (۲): خروجی Expert Choice (مقایسه‌ی گزینه‌ها نسبت به معیارها)



نتایج حاصل از مقایسه زوجی گزینه‌ها نسبت به معیار شاخص اقتصادی- اجتماعی نشان داد که روستای سرابتاوه دارای بیشترین اثرپذیری از نظر روابط شهر- روستا می‌باشد و روستای تنگ سرخ دارای کم‌ترین اثرپذیری قرار دارد. شکل زیر اولویت‌بندی شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی از لحاظ میزان اثرپذیری از روابط شهر- روستا را با استفاده از مدل AHP نشان می‌دهد.

در اولویت‌بندی شاخص‌ها با استفاده از مدل AHP، مشخص شد که شاخص اقتصادی- اجتماعی، سرابتاوه بیشترین و روستای تنگ سرخ کمترین وزن را دارا می‌باشد. بنابراین در روابط متقابل شهر- روستا در این حیطه بیشترین اثر بر روستای سرابتاوه بوده است. بنابراین به منظور برنامه‌ریزی برای توسعه‌ی این بخش و تعدیل اثرات منفی متقابل، روستای سرابتاوه در اولویت اول و روستای تنگ سرخ در اولویت آخر می‌باشد. از طرفی به منظور ارتقاء آثار مثبت ناشی از روابط شهر- روستا، روستای تنگ سرخ در اولویت اول قرار دارد.

شکل (۳): خروجی Expert Choice (مقایسه‌ی زیرمعیارها (معیار شاخص اقتصادی- اجتماعی))

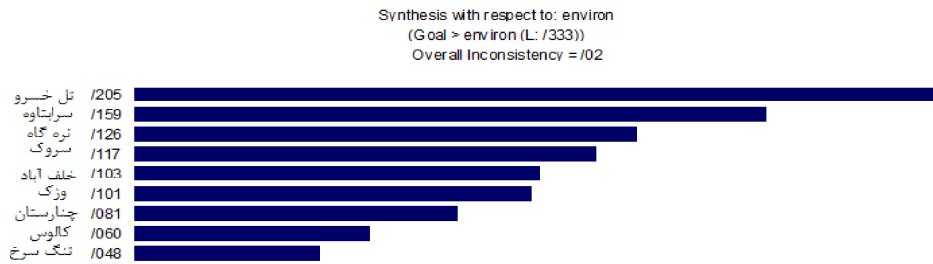


مأخذ: مطالعات نگارندگان

و ناهنجاری (۰/۰۲) در رده‌ی آخر از لحاظ اثرپذیری از روابط شهر- روستا قرار دارند. ضریب ناسازگاری در این قسمت ۰/۰۱ بوده است. شکل زیر سطح‌بندی شاخص‌های زیست محیطی را از لحاظ شاخص‌های مورد مطالعه نشان می‌دهد.

مقایسات زوجی زیرمعیارها نسبت به شاخص اقتصادی- اجتماعی نشان داد که از مقایسه‌ی زیر معیارهای مورد مطالعه، نحوه مصرف و خرید (۰/۱۷۴)، میزان تولیدات کشاورزی (۰/۱۵۱) و حس جدا بودن از مکان (۰/۱۱۹) به ترتیب در رده‌ی اول تا سوم از لحاظ اثرپذیری از روابط شهر- روستا قرار دارد.

شکل (۱۷): خروجی Expert Choice مقایسه‌ی گزینه‌ها نسبت به معیار شاخص زیست محیطی



مأخذ: مطالعات نگارندگان

بر اساس نتایج روستای تل خسرو با ۰/۲۰۵ درصد در بالاترین رده و روستای تنگ سرخ با ۰/۰۴۸ درصد در پایین‌ترین رده قرار گرفته است. لذا روستای تنگ سرخ دارای کم‌ترین اثرپذیری است.

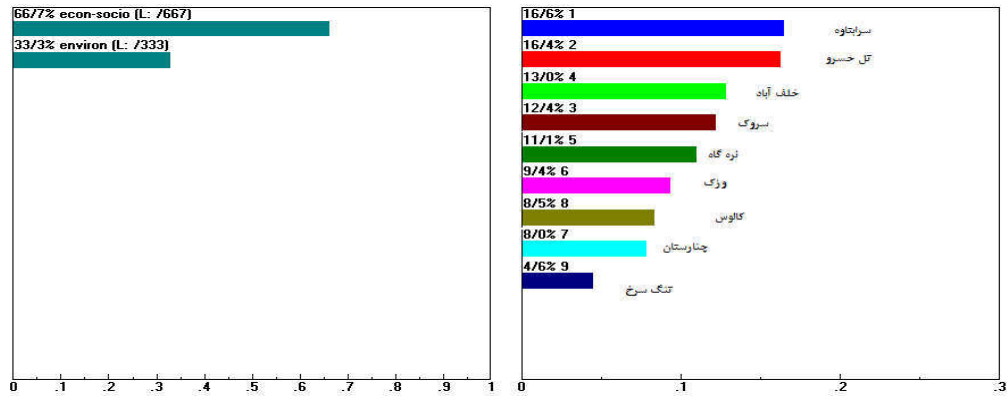
شکل (۲۳): خروجی Expert Choice (مقایسه‌ی زیرمعیارها نسبت به هدف (معیار زیست محیطی))



مأخذ: مطالعات نگارندگان

مقایسات زوجی زیر معیارهای شاخص زیست محیطی نشان داد که آلودگی با ۰/۳۰۵ درصد در بالاترین رده و تغییر سبک معماری با ۰/۰۹۸ در پایین‌ترین رده قرار گرفته است. لذا تلاش در جهت بهبود وضعیت امکانات و خدمات در این روستا ضروری می‌باشد. ضریب ناسازگاری در این قسمت ۰/۰۲ بوده است و قابل قبول می‌باشد.

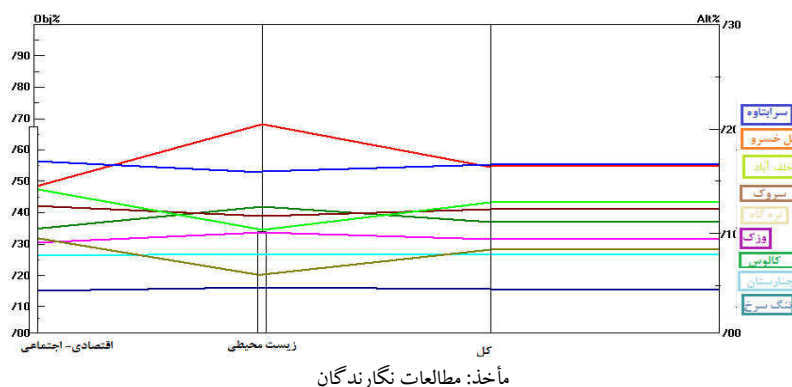
شکل (۲۴): خروجی نهایی Expert Choice (مقایسه‌ی گزینه‌ها نسبت به معیار)



مأخذ: مطالعات نگارندگان

نتایج نهایی مدل AHP حاکی از آن است که در بخش اقتصادی-اجتماعی روستای سرابتاوه (با ۱۶/۶ درصد) در رده اول و روستای تنگ سرخ (با ۴/۶ درصد) در رده‌ی آخر اثرپذیری روابط متقابل شهر-روستا است.

شکل (۲۵): مقایسه‌ی وضعیت اثرپذیری از روابط شهر- روستا شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی و زیست‌محیطی با استفاده از مدل AHP



مأخذ: مطالعات نگارندگان

جمع‌بندی نتایج نشان داد از نظر شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی روستای سرابتاوه و از نظر شاخص زیست محیطی روستای تل خسرو دارای بیشترین اثرپذیری است.

نتایج

نتایج حاصل از مدل AHP نشان داد که از نظر شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی روستای سرابتاوه، تل خسرو و خلف آباد و از نظر شاخص زیست محیطی روستاهای تل خسرو و سرابتاوه دارای بیشترین اثرپذیری از روابط متقابل شهر- روستا می‌باشند. زیرا در روستای سرابتاوه به دلیل برخوردی از امکانات و سکونت مهاجرین، جمعیت رشد سریعی داشته است. همچنین به علت مهاجرپذیر بودن روستا و تغییر کاربری زمین و بیکاری عمده میزان مالکیت اراضی زراعی تغییر یافته است و میزان انسجام روستا کاهش یافته است. حس هویت و حس جدا بودن از مکان در این روستا کمتر دیده می‌شود. چرا که زندگی جمعی در روستای سرابتاوه به صورت کامل و یک دست در کنار هم شکل نگرفته است. متوسط سطح زمین‌های کشاورزی کاهش قابل توجهی داشته است و طی سال‌های اخیر شاهد رشد ساخت و سازهای غیرقانونی در زمین‌های کشاورزی این روستا می‌باشیم. تغییر کاربری بعضی از زمین‌ها (بعضاً به شکل غیر قانونی) به زمین‌های مسکونی و ساخت و سازهای غیراصولی سبب شده تا متوسط سطح زمین‌ها کاهش یابد. همچنین ورود برخی افراد جدید از شهر به روستا جهت امرار معاش و تجارت، سبب شده تا بافت یکسان فرهنگی منطقه تغییر یابد و اختلافات

۱. بهبود هویت جمعی و تقویت حس مکان در بین ساکنان از طریق در نظر گرفتن برنامه‌هایی جهت مشارکت فعال و پویای ساکنان در کنار یکدیگر جهت توسعه شهری و روستایی
۲. زیباسازی و سامان یافتگی مسکن روستایی و رفع مشکلات ساخت و سازهای غیراصولی و رعایت قوانین و ضوابط توسط ساکنان محلی جهت معرفی به مسافران و گردشگران
۳. ایجاد مراکز خدمات روستایی بیشتر به منظور ارائه خدمات
۴. ارتقاء سیستم حمل و نقل بین مناطق روستایی و شهری به منظور تقویت ارتباط این دو

منابع:

۱. احمدی، بهمن، دادگر، محمد، و ربیعی، سجاد. (۱۳۹۳). سطح‌بندی میزان اثرپذیری از روابط شهر- روستا استان‌های کشور بر مبنای شاخص‌های حمل و نقل جاده‌ای با استفاده از تلفیق تکنیک‌های AHP و TOPSIS. آمایش محیط، ۸(۲۹): ۷۵-۹۷
۲. افراخته، ح. (۱۳۸۰). روابط متقابل شهر و روستا (مطالعه موردی: ایرانشهر)، علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۶(۳۲): ۴۹-۷۳
۳. بختیاری، صادق، دهقانی‌زاده، مجید، رعیتی، علی‌رضا. (۱۳۹۱). سنجش وضعیت توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان یزد با بهره‌گیری از رویکردهای تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه و تحلیل عاملی. برنامه-ریزی و بودجه، ۱۷(۳): ۱۳۴-۱۳۱
۴. رضوانی، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). "اهمیت بررسی و مطالعه شهر و روستا در توسعه پایدار مناطق جغرافیایی کشور". فصلنامه جغرافیا، ۴(۱۴): ۲۱۵-۱۸۵
۵. رضوانی، محمدرضا. (۱۳۸۱). تحلیل الگوهای روابط و مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران. پژوهش‌های جغرافیایی، ۴۰(۴۷۴): ۸۱-۹۴
۶. سلطانی، ناصر. (۱۳۹۲). ارزیابی موانع فراروی طرح‌های آمایش سرزمین در ایران با رویکرد تلفیقی. مدرس علوم انسانی- برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۱۷(۳): ۸۴-۶۳
۷. شمس‌الدینی، علی، شکور، علی، رضایی، محمدرضا، پناهی، لیلا. (۱۳۹۰). تحلیلی جغرافیایی بر جریانات متقابل روستایی-شهری مطالعه موردی: مرودشت و روستاهای پیرامونی. آمایش محیط، ۴(۱۲): ۷۹-۹۹
۸. صالحی، اسماعیل، پوراصغر سنگاچین، فرزاد. (۱۳۸۸). تحلیلی بر موانع فراروی آمایش سرزمین در ایران. راهبرد، ۵۲(۱۸): ۱۸۱-۱۴۹
۹. علی‌یاری، ویدا، شریف‌زاده، مریم. (۱۳۹۶). سنجش نابرابری خدمات در روستاهای هدف گردشگری شهرستان فیروزآباد، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، ویژه‌نامه گردشگری روستایی: ۲۳-۴۴
۱۰. عنابستانی، علی‌اکبر، روستا، مجتبی، آوریده، اصغر، و صیادی‌آبگلی، محمد. (۱۳۹۲). مقایسه تطبیقی سطح برخورداری سکونتگاه‌های روستایی با استفاده از مدل ضریب ویژگی و موریس (مطالعه موردی: بخش میمند- شهرستان فیروزآباد). جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۶(۱۹): ۱۱۹-۹۹
۱۱. فرجی‌راد، خدر، کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۶). تحلیل فضایی عوامل اجتماعی و فرهنگی پیشران و مانع آمایش و توسعه منطقه‌ای در استان خراسان شمالی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۸(۶۷): ۱۷۲-۱۵۵
۱۲. منصوری‌مرادیان، سمیه. (۱۳۹۴). سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی از نظر شهروندان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران با استفاده از مدل موریس، AHP و TOPSIS، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در مهندسی، علوم و تکنولوژی: ۱-۱۳
۱۳. مهدوی، مسعود. و افسانه برنج‌کار. (۱۳۹۲). سطح‌بندی دهستان‌های شهرستان بندرانزلی بر اساس تغییرات کاربری اراضی روستایی (با استفاده از مدل فرآیند سلسله مراتبی AHP). فصلنامه‌ی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۳(۱۲): ۵۷-۴۹
۱۴. معیدفر، سعید، اکبری، صادق. (۱۳۸۶). مناسبات روستا با شهر و اثرات توسعه‌ای آن، مطالعه موردی: شهرستان ساوجبلاغ. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی)، ۶(۹): ۷۵-۹۶
۱۵. میرزایی قلعه، فرزاد، کلانتری، بهرنگ، مولایی قلیچی، محمد، عزمی، آئیش. (۱۳۹۲). تحلیل روابط متقابل شهر و روستا در میزان توسعه یافتگی روستاهای دهستان حومه، شهرستان هرسین. مسکن و محیط روستا، ۳۲(۱۴۳): ۱۰۰-۸۹
۱۶. نعمتی، مرتضی، عبدالرحمان، نودری. و زهرا، عباسی. (۱۳۹۳). تحلیلی بر وضعیت اثرپذیری از روابط شهر- روستا کالبدی مناطق سه‌گانه شهر شوشتر با استفاده از مدل ترکیبی TOPSIS-AHP. فصل‌نامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، ۶(۲۰): ص ۶۶
17. Baresky, F. (2009) urban planning in small towns and Rural Area, Routledge, London.
18. Mudzengerere, Fungai. Hamilton. (2015). An analysis of the Changing rural-urban linkages and how it is affecting urbanization in the city of Bulawayo in Zimbabwe. International Journal of Politics and Good Governance, 6(6.3): 1-23.
19. Tacoli, Cecilia. (1998). Rural-urban interactions: a guide to the literature, *Environment and Urbanization*. 10(1): 147-166.
20. Zhoo- lin, Wang. (2011). Assessment Research on Balancing Rural-urban Development Based on Analytical Hierarchy Process. Journal of Nanning polytechnic.

